

زندگی بدون ایمان به خدا قابل تحمل نیست.

پیدایش ۱، ۴-۱؛ ۲۶-۳۱ و ۲، ۴-۱

در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. 2. زمین بی‌شکل و خالی بود، و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آنها را فرو گرفت. 3 خدا گفت: «روشنایی باشد»، و روشنایی شد. 4. خدا دید که روشنایی نیکوست، و خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد.



آنگاه خدا گفت: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگانی که بر زمین می‌خزند، فرمان براند.» 27 پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. 28 خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جانداری که بر زمین حرکت می‌کند، فرمان برانید.» 29 آنگاه خدا گفت: «اینک همه گیاهان دانه‌دار را که بر روی تمامی زمین است و همه درختان دارای میوه دانه‌دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد. 30 و به همه وحوش زمین و همه پرندگان آسمان و همه خزندگان روی زمین که جان در خود دارند، همه گیاهان سبز را برای خوردن بخشیدم.» و چنین شد. 31 و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم.

بدین‌سان، آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد. 2. و خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید؛ پس او در هفتمین روز، از همه کار خویش بیاسود. 3. و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد، چراکه در آن روز از همه کار خویش که خدا آفریده و ساخته بود، بیاسود. 4. این بود تاریخچه آسمانها و زمین آنگاه که آفریده شدند.

ویرانی در ماریوپل و دیگر شهرها در اوکراین وحشتناک است. زمین در آنجا بی‌شکل و خالی است، و تاریکی بر روی ژرفا؛ در عین حال شهرهایی با میلیون‌ها نفر در اوکراین با خاک یکسان می‌شوند. و حتی وحشتناک‌تر از آن ویرانی زندگی است که به اتمام رسیده. زندگی ای که اینجا زیر آفتاب بهاری بی‌اهمیت در نظر می‌گیریم... آنجا خاموش شده است. افراد مثل ما کشته می‌شوند. متأسفانه، آنچه در اوکراین اتفاق می‌افتد در کل دنیا گسترش می‌یابد. در کل جهان ما ویرانی، جنگ و نقض حقوق بشر را می‌بینیم. و همه ی آنها به ما مربوط می‌شوند. زیرا جنگ و نفرت در کل جهان از همان ریشه و بذری سرچشمه می‌گیرد که ما در قلب خود داریم. نفرت، حسادت، خودپرستی و بی‌ژگی‌های یک دیکتاتور به تنهایی نیستند. ما نیز در مورد جنگ و آسیب‌هایی که در زندگی خصوصی رخ می‌دهند شهادت می‌دهیم. بله، ما به اندازه کافی نمونه‌هایی مثل این می‌شناسیم که در زندگی شخصی اتفاق می‌افتد. جایی که والدین و فرزندان؛ زن و شوهر راهی جز جدایی برای همیشه نمی‌بینند. روح‌های شکسته نتیجه آن اختلافها است. در همه اینها سؤال این است که آیا چیزی وجود دارد که قابل اعتماد و واقعی باشد؟ آیا عشقی وجود دارد که در تمام زمان‌ها و در تمام رنج‌ها پایدار بماند؟ آیا کسی هست که بتوانیم به او اعتماد کنیم؟ برای درک این موضوع، باید به گذشته نگاه کنیم. ما به صفحات اول کتاب مقدس نگاه می‌کنیم. این روایت آفرینش است. می‌توان گفت: درگاه ورودی تاریخ جهان است. و خدا می‌خواهد به ما

بگویند که موضوع کتاب مقدس به طور کلی طبق این برنامه روی می دهد. و آن موضوع این است که خدا ما را دوست دارد و خدا ما را می خواهد! و ما می توانیم به خدا ایمان داشته باشیم، حتی اگر چیزهای زیادی وجود داشته باشند که دقیقاً مخالف این اعتقاد باشند. زیرا همیشه افرادی هستند که مخالف خالق بودن خداوند. برای مثال در زمان قدیم، اکثر مردم اعتقاد داشتند که ما انسان ها از طریق یک خدا آفریده نشده ایم، بلکه تحت اداره ی بت ها ی آشفته و خشن هستیم. در آن زمان انسان ها اعتقاد داشتند که ستارگان، خورشید و ماه خدایانی بودند که با یکدیگر جنگ می کردند. و سرنوشت بشر به نتیجه آن جنگ، بسته بود. گاهی برای تباهی، گاهی برای رستگاری. کتاب مقدس به شدت مخالف آن اعتقاد است. کل داستان خلقت با حروف بزرگ نوشته شده است که: خدا به تنهایی آفریدگار است! کلام خدا ما را هیجان زده می کند و دست ما را می گیرد تا ما با خدای آشنا شویم که نه تنها ما را آفریده است بلکه ما را همین الان محافظت می کند. یعنی ما تحت کنترل دیکتاتورها نیستیم بلکه خدا ما و همه چیز را در جهان آفریده است. به همین دلیل تحت اراده ی او هستیم! کتاب مقدس رفته رفته به ما نشان می دهد چگونه خدا اول جهان را آفریده است. این داستان طوری به ما توضیح می دهد انگار که یک ناظر مخفی آفرینش را مشاهده کرده است. به ما اجازه می دهد که به قلب خدا نگاه کنیم. بعد از هر روز آفرینش، خدا خودش از درون قلب بانگ زد و گفت: «ببین چقدر خوب است!» خدا خودش از مخلوق خودش هیجان زده بود. آیا می توانید شگفتی خدا را احساس کنید؟ مهمتر از همه در حال حاضر در زمان شکوفه های زیبای بهار؟ چقدر خدا همه چیز را عالی آفریده است! چقدر هوشمندانه همه چیز را جمع کرده است! چقدر همه چیز را فوق العاده ساخته است! ببین زنبورهای زمزمه کننده چقدر زیبا هستند.. و ببین میمون ها را که بازی می کنند. آنها با ما اینقدر شوخی می کنند که نمی توانیم از خنده خودداری کنیم... آیا خدا در هنگام آفرینش نیز به بازی می خندید؟ اما با این همه شگفتی ها، خدا پرندگان، حیوانات، ماهی ها، چراغ ها و گیاهان را خلق نکرده است تا بتواند خود را با آنها سرگرم کند. نه، خلقت او هدف بسیار خاصی داشت. او مردم را می خواست. بر اساس این گزارش، خدا هنگامی که انسان را خلق کرد به نقطه ی عطف رسیده بود. در همین کار بالاخره به هدفش رسید. او همیشه به این فکر می کرد که مردم را بسازد! بقیه چیزها فقط موسیقی پس زمینه است. در درگاه ورودی کتاب مقدس، خدا می خواهد به ما بگوید که همه این آفرینش به ما مربوط است! آیا تا به حال از خود پرسیده اید چرا خدا ما انسان ها را به این اندازه می خواست؟ آیا دنیا بدون مردم به اندازه کافی خوب نبود؟ بدون ما، شاید حتی بهتر بود؟ می توانیم سوالات بیشتری بپرسیم. وقتی خدا آدم و حوا را آفرید آیا نباید توقف می کرد؟ آن دوتا حتی بدون بچه، به اندازه کافی در دسرساز بودند... نه، با وجود اشتباه شان خدا بچه های بیشتری می خواست! او می خواست که مردم زندگی کنند. و حتی پس از گذشت چندین نسل، او فکر نمی کرد که ما غیر ضروری هستیم. بله ما با تمام عیب ها و اشتباهاتمان طبق اراده خدا اینجا هستیم. در هنگام تولد کلام از دل خدا می آید. «ببین چقدر خوب است» بنگر زندگی تو خیر است و خدا چنین زندگی را می خواهد. هر یک از ما، باید آن را محکم در قلب اظهار کنیم. بله، این کلمات بزرگ برای زندگی شما و من نیز به چشم می خورد: خدا ما را آفرید! و ببینید چقدر خوب هستیم! با وجود اینکه خیلی چاقیم، خیلی بلندیم یا کوتاه، خدا ما را می خواهد. زندگی به طور کلی به همین آفرینش خدا مربوط است. به طرز بسیار خاصی ما تصویر خدا و در نتیجه نماینده ی خدا در جهان هستیم و هرگز یک پاورقی بی معنی نیستیم. این واقعیت درست است چون خدا ما را اینطور می خواسته... با این کلمات که خدا جهان و ما را آفریده است، موضوع اصلی کتاب مقدس آغاز می شود. بالاتر از همه آنچه اتفاق افتاده و خواهد افتاد، اراده مقدس خداوند به کار می آید. در زبان عبری از کلمه خاصی برای خلقت استفاده می شود که فقط به خدا مربوط می شود. این کلمه به این معناست که خداوند جهان را از هیچ آفریده است. و به وضوح به ما نشان می دهد که اراده مقدس خداوند در پشت کل خلقت به تنهایی در اهمیت است. فقط خدا می تواند از هیچ همه چیز بیافریند. و خدا آن را انجام داد! و او این کار را می کند زیرا خودش آن را می خواسته است! و این اراده خدا هنوز اعمال می شود! و با این حال این اراده مقدس خداوند برای ما آشکار نیست بلکه پنهان است. ما همیشه نمی توانیم اراده خدا را درک کنیم. ما نمی توانیم بفهمیم چرا او

جنگ را اصلاً اجازه می دهد و چرا باید این رنج را روی زمین تجربه کنیم. خداوند به همه این سؤالات پاسخ قطعی نمی دهد. ما خدا نیستیم، بلکه مخلوق می مانیم. ما همیشه بین دو دنیای بزرگ ایستاده ایم. از یک سو، این جهان را با گناه، جنگ و مرگ می بینیم. از سوی دیگر، خداوند با اراده خیر و بخشنده را. ما در دنیای خدا نیستیم، بلکه در دنیای فانی هستیم. اما این دنیا بدون ایمان به خدا غیر قابل تحمل خواهد بود. بدون اینکه باور داشته باشیم که خداوند هنوز همه چیز را اداره می کند، گم می شویم، یا به دست یک دیکتاتور می افتیم. اما خدا دنیای خود را به ما نشان می دهد که با دنیای ما فرق دارد. خداوند همه اینها را از طریق عیسی به ما نشان می دهد. در عیسی ما همه چیزهایی را که نیستیم یا نمی توانیم باشیم تشخیص می دهیم. ما سرنوشت و هدف خود را در عیسی تشخیص می دهیم. و این عیسی ما را با سؤالات ما تنها نمی گذارد. او حتی در ناتوانی ما شریک است و مانند ما احساس می کند که خدا او را رها کرده است. و چون عیسی بسیار به ما نزدیک است، می توانیم در او سهیم باشیم. مرگ او مرگ ما است همانطور که زندگی او زندگی ما است. از طریق عیسی ما نیز دوباره متوجه می شویم که خدا برای زندگی ما هدفی دارد. ما در عیسی اجازه داریم مخلوقی تازه باشیم. ببین همه چیز جدید است! و این به ویژه در جنگ صادق است. خدا دست ما را می گیرد مخصوصاً در این روزگار سیاه به ما نشان می دهد که جنگ و نفرت حرف آخر را نمی زند.

بدون این اعتقاد به خدا، که از طریق عیسی به ما نزدیک می شود، نمی توانیم زمان کنونی را تحمل کنیم. چقدر وحشتناک است این باور که یک نفر می تواند تمام دنیا را با فشار دادن یک دکمه نابود کند. خدا دست ما را می گیرد و به ما نشان می دهد اینطور نیست! ایمان به خدا نشان می دهد که خدا دنیا را به این دلیل ساخته است که آن را می خواهد! و اگر خدا دنیا را می خواسته باز هم آن را می خواهد. حتی یک دیکتاتور هم نمی تواند اراده مقدس خدا را نابود کند! بنابراین جنگ و نفرت دیگر نباید بر ما حاکم باشد. زندگی من اکنون تحت یک نشانه کاملاً متفاوت است. تحت علامت عیسی مسیح که با من ارتباط برقرار کرده است. عیسی مسیح که به ما زندگی جدید می بخشد. آمین